

توسعه ایرانی از یک اتفاق عجیب گزارش می دهد:

افشای معمای ۱۲ ساله یک پدر گمشده



گروه حوادث: باورش سخت است اما یک مرد به خاطر بدهکاری زیادی که داشت ۱۲ سال پیش ناپدید شد و در حالیکه هیچ اثری از او نبود پلیس بی برد همه بدهی های مرد گمشده پرداخت شده است.

پدر فراری

سال ۸۵ بود و اعضای خانواده ای نگران از سرنوشت پدرشان که نایفه برق بود پسای در اداره پلیس اصفهان گذاشتند و از ماموران برای پیدا شدن پدرشان درخواست کمک کردند. ماموران در تحقیقات ابتدایی پی بردند که مهندس معروف اصفهانی روز تاسوعای حسینی از خانه خارج شده اما دیگر بازنگشته است و این در حالی بود که هیچ کسی با این مهندس برق اختلافی عمیق نداشت.

تصویر و مشخصات مهندس برق در اختیار تیم های پلیسی قرار گرفت و تیمی از کار آگاهان در گام نخست به بیمارستان ها، پزشکی قانونی مراجعه کردند که در این مرحله هیچ سرنخی از مرد گمشده به دست نیامد.

فرضیه قتل

روزها به سختی برای خانواده مرد میان سال می گذشت و هر روز امیدها کمتر می شد و هیچ سرنخی از وی به دست نیامد و آرام آرام فرضیه کشته شدن پدر خانواده پررنگ تر شد اما یک روزنه امید همیشه در دل خانواده روشن بود که پدرشان زنده است. با گذشت زمان دیگر امیدی باقی نمانده بود و احتمال می رفت که پدر خانواده به قتل رسیده و قاتل نیز جسد را از بین برده است.

سرنوشت خانواده مهندس گمشده

در این سالها چهار دختر مرد گمشده ادامه تحصیل دادند و سه تن از آنها پزشکی و یکی دیگر وکیل شدند و این روزها همان روزهایی بود که پدرشان آرزوی دیدن آنها را داشت اما سرنوشتی معماپی پدر و دختران را از هم جدا کرده بود. دو تن از دختران مرد گمشده از دواج کردند و برای کار و ادامه تحصیل به کانادا سفر کردند، این در حالی بود که مادرشان همیشه از دیدن فرزندان موفقتش خوشحال بود که پس از این همه سختی و کار در روزهای بی پردی دخترانش، آنها به موفقت رسیده بودند ولی همیشه مادر خانواده به بازگشت

شوهرش امید داشت.

سرنخ هایی عجیب

سالها گذشت و هیچ ردی از پدر خانواده در دست نبود تا اینکه ماموران با سناریوی عجیبی روبرو شدند. چند حساب بانکی با مشخصات مرد گمشده در چند استان باز و یک سیم کارت نیز به نام وی ثبت شده است. همین کافی بود تا تحقیقات پلیسی پس از ۱۲ سال شکل جدیدی به خود بگیرد و گرهای پلیسی یکی پس از دیگری باز شود. کار آگاهان در تجسس های فنی پی بردند که آخرین حساب بانکی در استان خوزستان بوده است و مسیر تحقیقات به سمت استان جنوبی رسید.

ماموران در تحقیقات پلیسی متوجه شدند که از حساب های بانکی مرد گمشده پول های زیادی به حساب های افراد مختلف واریز شده است، معمای عجیبی پیش روی ماموران قرار داشت. ابتدا فرضیه کلاهبرداری یا مدارک مهندس گمشده در دستور کار ماموران قرار گرفت اما در ادامه مشخص شد افرادی که پول به حسابشان واریز شده همان طلبکارهای مرد گمشده هستند.

مهندس زنده است

همین کافی بود تا ماموران از زنده بودن مهندس معروف برق اطمینان پیدا کنند و در این مرحله ادامه تحقیقات با سرنخی که از مرد گمشده در آبادان به دست آمده بود در اختیار ماموران تجسس کلانتری ۱۶ امیر کبیر آبادان قرار گرفت. ماموران در این شاخه از تجسس ها پی بردند که مرد گمشده با یک مرد جوان که مغازه الکتریکی دارد دوست صمیمی است و هر روز با هم در تماس هستند. دوست صمیمی مهندس گمشده

به دستور ماموران پای در اداره پلیس گذاشت و در تحقیقا مشخص شد امیرقلی ۶۶ ساله همان مهندس اصفهانی است که ۱۲ سال پیش ناپدید شده بود.

قرار با مرد معمایی

مرد جوان با هماهنگی پلیس و آموزش های فنی یک قرار صوری را با مهندس امیرقلی هماهنگ کرد تا اینکه وی از اهواز به آبادان رفت و زمانی که برای دیدن دوست صمیمی اش به مغازه الکتریکی رفت در برابر ماموران پلیس قرار گرفت.

دیندار بعد ۱۲ سال

امیرقلی ۶۶ ساله ابتدایی دانست که راز ۱۲ سال پنهان کاری اش فاش شده اما وقتی پای در کلانتری گذاشت با همسر و دو دخترش روبرو شد. صحنه عجیبی بود، همگی اشک می ریختند و خانواده امیرقلی سوال های زیادی در ذهن داشتند که علت این همه سال چشم انتظار برای چه بود و پدر خانواده نیز در حالیکه آرام اشک می ریخت باور نداشت خانواده اش را بعد از ۱۲ سال در یک قدمی اش می بیند.

شکست سکوت مادر خانواده همسر مهندس برق بهت زده به خیر نگار ما گفت: چهار فرزند دختر دارم و زمانی که شوهرم ناپدید شد یکی از دخترانم خواستگار داشت اما با ناپدید شدن پدرش شوک عجیبی به او وارد شد و برای ادامه زندگی پیش خواهرش در کانادا رفت و در آنجا نیز زندگی خوبی برای خود فراهم کرده است.

در این سالها به هر جا که حدس می زدیم شوهرم در آنجا باشد سرزدیم اما هیچ ردی از او به دست نیامد و دیگر فکری در دیم شوهرم را کشته اند. سالها به سختی کار کردم تا فرزندانم در آرامش بزرگ شوند تا

اینکه پلیس متوجه شد شوهرم در استان خوزستان است، باورش سخت بود ولی من همیشه امید داشتم ولی نمی دانم چرا شوهرم که مرد موفق و تحصیل کرده ای بود ما را تنها گذاشت و در این سالها نگران مانده بود.

ناگفته های مرد گمشده

پدر خانواده در حالی که اشک می ریخت گفت: سالها پیش در یک دانشگاه معتبر فارغ التحصیل شده و پس از آن در فولاد مبارک اصفهان مشغول به کار شدم و گاهی اوقات نیز در دانشگاه تدریس می کردم. وی افزود: دوستانم ادعای می کردند که ادیسون برق را از من یاد گرفته و همیشه برای خرید لوازم برقی شرکت به شرکت به کشور های خارج می رفتم تا اینکه یک شرکت راه اندازی کرد اما بدهکار شدم و دوستانم به خاطر بی پولی مرا تنها گذاشتند.

روزهای سختی بود به همین خاطر یک روز تصمیم گرفتم از خانه خارج شوم و دیگر بازنگردم تا خانواده ام روزهای سخت مرا مشاهده نکنند. با فرار از خانه به شهرهای مختلفی رفتم و با توجه به سابقه کاری که داشتم خیلی زود در یک شرکت مشغول به کار شدم و شهبان نیز در همان جا استراحت می کردم و از همان ابتدا پولهایم را پس انداز کردم تا بدهکاری ام را پرداخت کنم.

مهندس ۶۶ ساله گفت: پس از سالها کار و تنهایی به اهواز آمدم و در یک شرکت معتبر مشغول به کار شدم و دیگر نمی خواستم خانواده ام را ببینم، یعنی نمی دانستم چطور با آنها رود رو شوم.

بنا به این گزارش، مرد گمشده پس از ۱۲ سال با خانواده اش و دامادی که تا به امروز او را ندیده بود به اصفهان بازگشتند و خانواده اش از وی خواستند تا همراه آنها زندگی کند.

یادداشت

حوادث نگاری راهی برای واکنش ناهنجاری های اجتماعی

مهدی ابراهیمی، روزنامه نگار

اخبار حوادث از دیرباز با اظهار نظرهای دوگانه ای نزد کارشناسان اجتماعی و حتی اهالی رسانه مواجه بوده است به گونه ای که گروهی حوادث نویسی را سببایی نمایی و گروهی آن را پادزهری در جهت آگاهی دهی اجتماعی می دانند. ۲۲ سال تجربه کاری ام در زمینه انتشار اخبار حوادثی نشان داده است که بایکوت رسانه ای حوادث نه تنها به مصلحت جامعه نیست بلکه تنها فرصت لمس عمق ناهنجاری های اجتماعی را هم از مردم سلب می کند و حوادث نویسی یکی از عوامل اصلی پیشگیری از وقوع جرم است چرا که همزمان با آگاه سازی خانواده ها از خطراتی که در کمین است به مجرمان و کسانی که می خواهند وارد دنیای تبهکاری یا جنایت شوند گوشزد می کند چه عاقبتی پیش رویشان است. در واقع اگر انتشار اخبار حوادث را به واکنس تشبیه کنیم خوبی در می یابیم که در جهت واکنسینه کردن جامعه از حوادث و خطرات نیاز است از تریق جنس همان ها در بین اقشار مختلف جامعه بهره برد و با وجود اینکه گاهی شاهد سیاهی نمایی هم خواهیم بود اما نتایج آن بسیار سفید و روشن بوده و باعث سم زدایی از کالبد جامعه خواهد بود. در روی دیگر این سکه باید به خطوط قرمزهای اجتماعی نیز توجه بسیاری داشت به این منظور که حوادث نگارها باید به مانند پزشکان اجتماعی از تجربه و سواد کافی برخوردار باشند تا با یک اشتباه تاثیر معکوس از اخبار حوادثی در جامعه بر جای نماند و آبروی شهروندی از بین نرود. در این صفحه سعی خواهیم کرد با در نظر گرفتن همه خطوط قرمزهای اجتماعی و نگرشی سفید هشدار دهنده در همه جهان رمان ها و فیلم های جنایی و هیجانی بیشترین مخاطب را دارند و در ایران نیز شاهد چنین استقبالی هستیم سعی خواهیم کرد تا با نوشتاری هیجانی و توصیفی مخلصان عزیز را با خود همراه کنیم.

خبر

دستگیری ۴ متهم پرونده آزار زنان ایرانشهری

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان گفت: در سه ماهه اول امسال ۳۸ تن مواد مخدر از قاچاقچیان مسلح در جنوب شرق کشور کشف شد. سردار قنبری فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان در نشست خبری با اصحاب رسانه اظهار داشت: بر اساس آمارها میزان جرایم طی یکسال اخیر و سه ماهه اول امسال کاهش چشمگیری داشته است. وی افزود: در سه ماهه اول امسال ۳۸ تن مواد مخدر از قاچاقچیان کشف و ضبط شده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷۲ درصد کاهش یافته است. وی با اشاره به اینکه در این بخش ۳۳ نفر هم دستگیر شدند تصریح کرد: در این مدت ۳۴۵ خرد فروش دستگیر و ۳۰ منزل پلمپ شده که ۴۶ درصد رشد نشان میدهد. وی با اشاره به پدیده قاچاق ادامه داد: در سه ماهه اول سال جاری ۲۸ میلیارد ریال انواع کالای قاچاق کشف شده که از حیث ارزش از ۲۸ درصد افزایش یافته است و در این رابطه ۱۲ باند قاچاق با دو درصد افزایش متلاشی شده است. وی تصریح کرد: استان از حیث بروز جرایم در رتبه ۱۸ کشور قرار دارد و اکنون ۹۰ درصد جرایم کشف می شود که در بخش کشف سرقت مسلحانه شاهد افزایش ۴۷ درصدی کشفیات هستیم. سردار قنبری افزود: سرقت های مسلحانه و سرقت به عنف در استان به ترتیب ۴۷ درصد و ۳۸ درصد کاهش یافته است. فرمانده انتظامی استان با اشاره به کاهش ۱۲ درصدی سرقت منازل بیان کرد: تاکنون ۱۴۴۱ نفر از مراکز مشاوره نیروی انتظامی بهره مند شده اند که در مراکز مشاوره و مددکاری نیزوهای انتظامی ۷۸۱۰ پرونده مورد مصالحه قرار گرفته است. فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان با اشاره به پرونده ایرانشهری گفت: در این استان حاشیه بر متن غلبه دارد، در موضوع ایرانشهری بزرگ نمای شد. وی ادامه داد: تاکنون از ۴ نفر متهم این پرونده یک نفر به دنبال شکایتی که مطرح شده بود، در کسری از روز دستگیر شد، یک نفر توسط خانواده اش به مراجع قضایی تحویل شد و یک نفر هم که سلاح در اختیار این افراد قرار داده اما به این پرونده ارتباطی نداشت نیز دستگیر شد. قنبری افزود: دو نفر دیگر شناسایی و تحت تعقیب قرار دارند که امیدواریم با تلاش پلیس و مجموعه امنیتی به زودی دستگیر شوند. قنبری افزود: سامانه ۱۹۷ پلیس منعکس کننده درخواست ها، نارضایتی یا تقدیر مردم از فعالیت های پلیس است.



قصاص قاتل پسرشان شدند. مراد گفت: برادرم سلطان دارد و از پزشکان شنیده بودم که گوشت خرگوش برای برادرم مفید است به همین خاطر یک تفنگ بر نو خریدم.

وی افزود: روز حادثه برای ترساندن امین و دوستانش یک تیر هوایی شلیک کردم اما آنها به ما حمله کردند و امین با جگر به شیشه خورد و ویم کوبید که مجبور شدم چند گلوله به سمت زمین شلیک کنم که آنها فرار کنند و نمی دانم گلوله چطور کمانه کرد که علی را زمین انداخت.

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد و با توجه به نظریه کارشناسان اسلحه شناسی که اعلام کرده بودند تیر بر خورد کرده با شکم قربانی به صورت غیر مستقیم و احتمالا پس از کمانه کردن به زمین با وی برخورد کرده است مراد را از قتل تبرئه و وی به پرداخت دیه و شش سال زندان محکوم کردند که این حکم دیروز در دیوان تأیید کرد.



کار آگاهان با بررسی های میدانی در صحنه جرم پی بردند که حضور ۲ مرد ناشناس در ساختمان دروغ است و جراحات روی دست و پای علیرضا با چاقو و قمه صورت نگرفته است. تجسس های پلیسی ادامه داشت تا اینکه علیرضا ساعت ۵ عصر پنجشنبه ۳۱ خرداد ماه پرده جنایت خانوادگی برداشت و خودش را قاتل پدر و مادرش معرفی کرد. پسر جوان گفت: ساعت یک ظهر چهارشنبه داخل پارکینگ مشغول مصرف مواد مخدر بودم که ناگهان پدرم

تیر هوایی که آدم کشت

گروه حوادث: مرد جوان که برای فراری دادن برادر زاده اش تیراندازی کرده بود ناخواسته دست به قتل زد. شهریور ماه سال ۹۵ علی ۲۴ ساله در ورآمین با اصابت گلوله به قتل رسید.

پلیس خیلی زود محمدرضا که در همسایگی مقتول زندگی می کرد را بازداشت کرد و در بازجویی ها گفت: از چندی قبل با علی و امین اختلاف داشتم بخاطر دعوایمان از آنها کینه به دل داشتم و یک روز برای انتقام گیری با سنگ شیشه خانه امین را شکستم و به خانه رفتم.

پسر جوان ادامه داد: بعد از دقایقی برای خرید نوشابه از خانه خارج شدم که با امین روبرو شدم که او با دیدن من

مردی خانواده اش را به گلوله بست

حمام خون در خانه شرخر هفت تیرکش

گروه حوادث: جوان خطرناک برای پنهان ماندن راز قتل پدر و مادرش قصد کشتن برادر کوچکش را داشت که تیرش به خطرات. ساعت ۳ ظهر چهارشنبه ۳۰ خرداد ماه سالجاری ماموران کلانتری ۱۲۸ تهران در جریان سناریوی تیراندازی های مبارکباری در خیابان فانی قرار گرفتند. دقایقی بعد تیم تجسس با حضور در طبقه سوم ساختمان با جسد زن ۴۸ ساله و شوهر ۵۶ ساله اش که از ناحیه سر هدف گلوله مرگبار قرار گرفته بودند روبرو شد و ماجرا را به باز پرس جنایی تهران مخابره کرد. بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه باز پرس مرادی از شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران پای به قتلگاه گذاشتند. کار آگاهان در گام نخست پسر بزرگ خانواده را که علیرضا ۳۲ ساله است را اکنون تحقیقات خود قرار دادند. وی گفت: همراه پدر و مادرم در خانه بودم که ناگهان ۳ مرد که صورت تشنان را پوشانده بودند وارد شدند و پدر و مادرم را به گلوله بستند. پسر جوان افزود: مردان مسلح در ادامه تفنگ را به دست من دادند و زمانی که برادرم وارد خانه شد به من دستور شلیک دادند که با

تهدید آنها مجبور به تیراندازی شدم که گلوله به دست برادرم اصابت کرد و غلامرضا به سرعت به طبقه سوم ساختمان فرار کرد و در راه روی آنها بست. مردان غریبه من را به یاد کتک گرفتند و باقمه و چاقو مرا زخمی کردند و پا به فرار گذاشتند.

ماموران که به ادعاهای علیرضا شک کرده بودند در ادامه غلامرضا ۲۹ ساله را هدف بازجویی قرار دادند تا اینکه وی گفت: وقتی وارد ساختمان شدم برادرم داخل پارکینگ بود و به خاطر اختلافی که با برادرم داشتم بدون هیچ صحبتی به سمت راه پله رفتم که ناگهان صدای شلیک گلوله را شنیدم و همان لحظه متوجه شدم که از ناحیه دست هدف گلوله قرار گرفته ام. غلامرضا ادامه داد: از ترس جانم با سرعت خود را به طبقه سوم ساختمان رساندم و وقتی وارد خانه شدم با جسد خونین پدر و مادرم روبرو شدم. داخل خانه پناه گرفته بودم که صدای برادرم که در خواست کمک می کرد را شنیدم و ادعای کرد افرادی قصد کشتن او را دارند اما هیچ صدایی از مردان غریبه به گوش نمی رسید تا اینکه برادرم با شکستن شیشه وارد خانه شد و من همان لحظه با پلیس تماس گرفتم.